

ی، ی

یَهَبَنک = دندان، نیش (طعنه آمیز).
 یید = پل.
 ییل - ایلاق.
 ییل = آستی.
 ییلک = الک خورد.
 ییلبون = ایلاق بان.
 ییلے = به دوستی (نیت)؛ دُبنمنے = به دشمنی (به نیت).
 یینک = آهینه.
 ییست = روشن شدن، آب و هوا.
 ییت، ییت-اٹ = باز، گسترده.
 ییغر = بیتل چوچه دهنده؛ نا آرام؛ وحشی؛ بد خواه.
 ییغرباد = شمال تند، گرداب، طوفان.
 ییغرے، ییغرگرے = سرو صدا انداختن، افراط گری.
 ییچل، ییچل = آموخته، عادت شونده؛ کبک وحشی در خانه عادت میکند.
 ییداو = بردن.
 ییٹ، ریٹ، ییچہ = آشیانه.
 یے = یک.
 یگہ = دیگری، دیگر.
 یگون = تقریباً، نزدیک به.
 ید = آن.
 یے-چھی = کسی، یگان.
 یے-چیزی = چیزی.
 ییو = یک.
 ییوجٹ = تنها.
 ییببخ، وون = پشم.
 ییبرد، اغ = بی حس (عضو بدن)؛ مو تن اندوم اغ سذج = تمام وجودم بی حس شده.
 ییبرد رنگ = بی حس.
 ییابو = اسپ؛ اسپ قد پخش.
 ییاو، ییاوٹ = قراری، آرامی، بدون سر و صدا.
 ییاهه = بی ادب، احمق، دیوانه، بد.
 ییولا، ییوللا، ییاولا، ییاولا = عذر، معذرت، التماس.
 ییادایشے = تحفه، سوغات، بسته یا پارسل.
 ییادللا = اینه، اه-اهه، در حالت تعجب؛ ییادللا، یو پس نه یت = اهه، او نه آمد.
 ییاد = یاد، حافظه.

یئاو = آمدن.
 یکه- تاز (اٹ) = دوامدار، همیشه.
 یکه-چین = مانند، یک رقم، در شکل ظاهری.
 یکه، یکه-خابس = یک شاخ.
 یکه، یکه-گبس = تناب برای بستن بار در پشت اسپ و خر...
 یک-لر = ساده، ساده دل.
 یک-مصاف = یکی، هم شکل.
 یکا-دکه = بعضی اوقات، گاهگاه.
 یک-پانک = یک پا.
 یک-پاو = سخت، سر سخت؛ اس وے یک-پاو دے نیست- کسی مانند او سخت تر نیست.
 یک-ریز = یکبارگی، به یکبار، فوراً.
 یک-سیکر = همیشه، مدام.
 یک-تنه = یک کارگر (درخانه)؛ حضرت قل
 یک-تنه = حضرت قل تنها کارگراست (خانه).
 یکته = پیراهن، مردانه.
 یک-خبمک، یک-خبمه = یک چشم.
 یلاگ = شوره بوم، زمین بی حاصل.
 یم = همین، این.
 یم اند، یمند = آنجا.
 یمبخ = تا آنجا.
 یست = است.
 یئاو = آمدن.
 یینه-یینه، پلی-پلی = به مشکل.
 ییغخه = یخ در راه؛ در راه برف از طرف روز آب میشود و شب یخ میگردد.
 یخ، یخچنن = خواهر، خواهران.
 یه = او (جنس زنانه).
 ییداو = آرد کردن.
 ییخ = یخ.
 ییخ دُون، یخ دُون = صندوق کلان برای نگهداری اموال.
 ییخکوف = یخ شده؛ ییخکوف گوبنت = گوشت یخ شده.
 ییخاف = آب یخ یا آب سرد.

پَجَک، کَجَک = به پای ایستاد شدن (اطفال)
پَجَگے = پنیر با شیر
پَرُون، حیرُون = حیران
پَلُون، اعلُون = اعلان
پوُون، حیُون = حیوان

یاد چیداو، یاد دنداو = یاد کردن، یاد دادن.
یامبو = واحد پول چین در قدیم.
یاردم، یارمندے = کمک، پشتیبانی.
یاردم چے = کمک کننده، پشتیبان.
یارُون = یاران.
ینداو = بردن.
یاخ = آتش.
یاخ-رِبْخ = جرقه؛ آتش یا بر اثر زدن سنگ با آهن.
یاش، یاشے = جوان، جوانی.
یاغے = وحشی.
یارج = آرد.
یُبیہ؛ چیداو. = رفتن، دویدن (اسپ).
پُرغَلے = بالشت ها در زیر زین اسپ.
پُرغہ (فارج پوند تید) = یورتمه، یورغہ، رفتار اسپ.
پُرپرے = قوغ آتش.
یُختے. = دستی، تریبه شده (گوگ)؛ برعکس
پُرغے، شورکے
یُغ، یُغک ذارگ = یوغ، سمچو یا چوبک یوغ.
یُغخ = برآمدگی (در مورد درخت).
یوز، یوزن، به یوز، به یوزن = باجزئیات، با تمام جزئیات.
یون- تر- یون = با جزئیات، به ترتیب، از اول تا آخر.
یوربش، یوربنک = خرس، خرسک.
یوبنک = اشک، قطره.
یوبنک = آبسه؛ چرک پندیده. در لاشه حیوان.
یوش = برآمدگی در ریشه درخت.
یوپون = گل؛ پیچ امین الدوله (*Lonicera caprifolium*).
یورخ = پشته بین دو شیار؛ جویچه ها یا خط ها برای آبیاری در زمین.
یورخ به یورخ = از اول تا آخر، با جزئیات دقیق.
یود اند، یود اندیر = اینجا.
یود-یم، یود ات یم = اینجا و آنجا، بعضی جا.
یودبش، ک-ودبش = تا اینجا.
پب، پیب، عیب = عیب
پتبار، اعتبار = اعتبار